پهن و ماشهٔ بیلِ چقماق و دستهٔ گردوی پدرمان هنوز هم کارِ خودش را می‌کند

صدای چکش از کارگاهی در کنارِ رودخانه می‌آید که پدر و پسر در آن با هم کار می‌کنند و سال‌ها تجربه را به دست‌های تازه می‌سپارند.

نوشتهٔ مهتاب نیک‌فرجام

صبح‌ها هنوز مه روی آب نشسته است که صدای چکش از کارگاهی کنار رودخانه به گوش می‌رسد. کارگاه متعلق به استاد حسن پرتوی است و پسرش، رامین، کنارِ او پشت سندان ایستاده است. پدر ۶۸ سال دارد و پسر ۲۳ سال. بیش از چهل سال است که پرتوی در همین کارگاه کار می‌کند و تقریباً همهٔ ابزارهایی که امروز در دست دارد را خودش ساخته است. رامین اما تنها چند سال است که پای کار آمده، و هنوز خیلی از کارها را با تردید شروع می‌کند.

پرتوی بیلِ چقماق را «دستهٔ گردو» می‌نامد، چون چوبِ دستهٔ بیشتر بیل‌هایش از درخت گردوی حیاط خانهٔ پدری‌اش بریده شده است. او می‌گوید گردو چوبی است که هم سبک است و هم زود خم برمی‌دارد، و برای کسی که ساعت‌ها بیل می‌زند، این دو ویژگی با هم کم پیدا می‌شوند. دستهٔ هر بیل را او جداگانه انتخاب می‌کند، خم آن را با حرارت درست می‌کند و سپس با رنده و سمباده صاف می‌کند تا دست عرق نکند و ترک برندارد.

رامین در این کارگاه بیشتر شاگرد است تا کارگر. پدر هنوز تصمیم‌های مهم را می‌گیرد و پسر یاد می‌گیرد که چرا. یکی از همین روزها که برف تازه آب شده بود، رامین خواست بیلی بسازد که برای خاک سنگین و گلی هم مناسب باشد. پدر گفت اول باید بفهمد خاک سنگین چه رفتاری دارد. آن روز هر دو تا ظهر کنار رودخانه ماندند و رامین یادداشت برداشت. پرتوی می‌گوید این بخش را هیچ کتابی به او یاد نداده است.

بیل و ماشهٔ چقماق

بیل چقماق دو بخش اصلی دارد: تیغهٔ فلزی و دستهٔ چوبی. تیغه را پرتوی از آهن‌پارهٔ کامیون‌های قدیمی می‌سازد و لبهٔ آن را با سنگ و سپس با سمباده تیز می‌کند. دستهٔ گردو حدود ۱٫۲ متر طول دارد و انتهای آن کمی ضخیم‌تر است تا دست نلغزد. ماشهٔ چقماق تکه‌چوبی کوتاه است که با میخ به دستهٔ اصلی وصل می‌شود و با ضربهٔ مچ دست، سنگ را از زمین جدا می‌کند.

سندان و سنگ‌کوب

سندان پرتوی قطعه‌ای از ریل قدیمی است که سر پهن آن رو به بالا قرار دارد. کنار آن یک سنگ‌کوب ساده هست: تکه‌ای آهن گرد به قطر ۴ سانتی‌متر که یک سر آن تخت شده است. رامین می‌گوید سنگ‌کوب را از همه سخت‌تر درست کرده است، چون ده‌ها بار با چکش به آن خورده تا سطحش صاف و سخت شود.

آب‌دادن و تمپر کردن

آب‌دادن مرحلهٔ حساسی است. پرتوی تیغه را تا رنگ گیلاسی داغ می‌کند و سپس در آب نمک می‌اندازد. رامین بار اول تیغه را بیش از حد داغ کرد و لبه ترک برداشت. پدر گفت این ترک را هیچ‌وقت با سنگ پاک نکند، چون همان نشانه است که فهمد دما درست بوده یا نه. تمپر کردن هم با حرارت ملایم انجام می‌شود تا تیغه شکننده نشود.

دسته و نشیمن

دستهٔ چوبی را پرتوی با رنده و سمباده شکل می‌دهد تا در دست بنشیند. رامین یاد گرفته است که دستهٔ بیل نباید صاف و بی‌برآمدگی باشد، چون عرق دست را می‌گیرد و لیز می‌شود. پرتوی کمی پایین‌تر از انتهای دسته یک برآمدگی کوچک می‌گذارد تا دست همان‌جا قفل شود. این جزئیات را هیچ کتابی ذکر نکرده است.

نگهداری و تیز کردن

پرتوی هر عصر بیل را با سنگ تیز می‌کند و لبه را با روغن کتان می‌پوشاند تا زنگ نزند. رامین هنوز فراموش می‌کند و گاهی بیل را خیس رها می‌کند. پدر می‌گوید ابزار بی‌توجه‌ی را زود پس می‌دهد. به گفتهٔ او، یک بیل خوب اگر درست نگه داشته شود، نسل‌ها دوام می‌آورد.

فروش و سفارش

پرتوی بیل‌ها را در کارگاه و در بازار هفتگی شهر می‌فروشد. قیمت هر بیل حدود ۱۸۰ هزار تومان است. رامین پیشنهاد داده است که سفارش‌ها از طریق پیام‌رسان گرفته شود، اما پدر هنوز ترجیح می‌دهد مشتری حضوری بیاید و دسته را در دست خودش امتحان کند. این بحث هنوز ادامه دارد.

آموزش به شاگرد

رامین اکنون مسئول ساختن بیل‌های کوچک‌تر برای کار در باغ‌هاست. پرتوی می‌گوید این کار برای پسر خوب است، چون اگر بیل کوچک را درست بسازد، یعنی دست و چشمش آماده است برای بیل بزرگ. تا امروز سه بیل کوچک ساخته شده و دو تا از آن‌ها فروش رفته است.

نگاه به آینده

پرسیدم آیا دوست دارد کارگاه را بزرگ‌تر کند. پرتوی سر تکان داد و گفت فقط می‌خواهد کار پدرش را نگه دارد. رامین لبخند زد و گفت شاید روزی کارگاه را عوض کند. پدر خندید و گفت تا آن روز باید اول بیل خودش را بسازد. پسر قول داد.

پدر و پسر و بیلی که هنوز در کارگاه کنار رودخانه ساخته می‌شود

**صدای چکش از کارگاهی در کنار